

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال یازدهم، شماره بیست و دو، بهار ۹۹، صفحات ۱۰۵-۱۲۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۵/۰۸

بررسی و تحلیلی بر آداب و اخلاق شکار حیوانات در عصر صفویه

شهاب شهیدانی^۱

مهشید سادات اصلاحی^۲

متین سادات اصلاحی^۳

چکیده

شکار حیوانات در عصر صفوی، به دلیل علاقه مفرط پادشاهان این سلسله، از اهمیت وافری برخوردار شد که رسوم، تشکیلات و آیین‌های درباری، مناصب و ابزار، آداب و ایام شکار و نیز بازتاب آن در ذوق و آثار هنری و احکام مذهبی و فقهی را شامل گردید که به نوعی فرهنگ، اخلاق و آداب شکار را به وجود آورد. پژوهش حاضر به روش تاریخی توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع دست اول تاریخی، سفرنامه‌ها و نسخ‌خطی، با عطف به نظریات حوزه اخلاق محیط‌زیست و شکار، پیامدهای زیستی و انسانی آن را در روند تاریخ صفویان بررسی کرده است و به این سوالات می‌پردازد که انگیزه و فرآیند شکار در عصر صفوی چگونه بوده و مخاطرات آن بر محیط‌زیست و گونه‌های حیوانی ایران تا چه اندازه‌ای بوده‌است؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پادشاهان صفویه شکار را علاوه بر منبع غذایی، شامل فراگیری فنون رزمی، تفریح، سرگرمی و بزم، تشخیص و مشروعیت یافتن و اقلان حس افتخارجویی و جاه‌طلبی می‌دانستند اما با رویکرد اخلاق «انسان‌محوری» در شکار و محیط زیست، و با در نظر گرفتن الگوپردازی حاکمان صفوی و بی‌توجهی به اعتدال در شکار و استمرار و انتقال این میراث به دوره‌های بعدی، پیامدها و تبعات مخربی را به وجود آوردند که باعث تلفات انسانی، خسارت‌های محیط زیستی درباره گونه‌هایی از حیوانات شد.

واژگان کلیدی: اخلاق زیست‌محیطی، شکار، حیوانات، شکارگاه، صفویه.

shahidani.sh@lu.ac.ir

mahshideslahi@yahoo.com

matineslahi@yahoo.com

۱. استادیار دانشگاه لرستان، لرستان - ایران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، اصفهان - ایران

۳. کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، اصفهان - ایران

A Study and Analysis of the Animal Hunting Etiquette and Ethics in the Safavid Era

Sh. Shahidani¹

M. Sadat Eslahi²

M. Sadat Eslahi³

Abstract

Animal hunting in the Safavid era, due to the extreme interest of the kings of this dynasty, became very important. The hunting customs, organizations and rituals, positions and tools as well as the hunting days were reflected in the taste and works of art and also in the jurisprudential and religious rulings. This created a kind of culture, ethics and hunting etiquette. The present article uses a descriptive-analytical historical method to study the first-hand historical sources, travelogues and manuscripts. With reference to the theories in the field of environmental ethics and hunting, this study examines the hunting biological and human consequences in the course of the Safavid history. It addresses the questions of what was the motivation and process of hunting in the Safavid era and to what extent it endangered the environment and animal species of Iran. The findings of this study show that the Safavid kings considered hunting as a source of food, learning martial arts, recreation, entertainment and feasting, recognizing and legitimizing and convincing a sense of pride and ambition. But with an ethical human-centered approach in hunting and the environment, and by taking the example of the Safavid rulers and neglecting moderation in hunting and the continuation and transfer of this heritage to the later periods, they created devastating consequences that resulted in the human casualties and the environmental damages to some animal species.

Keywords: Environmental Ethics, Animals, Hunting, Hunting Ground, Safavid.

1 . Assistant Professor Lorestan University, Lorestan-Iran (Corresponding Author)
shahidani.sh@lu.ac.ir

2 . Master of Science, University of Isfahan, Isfahan-Iran

mahshideslahi@yahoo.com

3 . Master of Science, University of Isfahan, Isfahan-Iran

matineslahi@yahoo.com

مقدمه

شکار به صورت فردی و جمعی یکی از راه‌های امرار معاش و تأمین آذوقه انسان‌ها به شمار می‌رفت. و برای پادشاهان تلفیقی از تمرین جنگ، جنبه آئینی و امری تفریحی محسوب می‌شد که جنبه معرفی و مشروعیت شکوهمندانه شاه در فنون شکار مانند تیراندازی و نخجیرکردن را هم در پی داشت به نحوی که گاه افراد شکار خود را به نام شاه ثبت می‌نمودند. علاقه پادشاهان صفوی به این مقوله، سبب شد تا آنها تشکیلات خاصی را برای شکار ترتیب دهند و حیوانات شکاری را نگهداری و از آنها برای تفاخر و تجمل، هدیه و پیشکش استفاده کنند. علاوه بر آن مناصب متعددی مانند میرشکارباشی، قوشچی‌گری و أماجدار شکل گرفت که وظیفه آنها نگهداری حیوانات و پرندگان شکاری در قوشخانه بود. با چنین اهمیتی، شکار بی‌رویه و دسته‌جمعی حیوانات، خسارت‌های جبران ناپذیری را به زیستگاه و تنوع زیستی حیوانات وارد ساخت. پیشینه این پژوهش چندان گسترده نیست و هنوز مطالعات منسجم و درخور توجهی درباره شکار و در ارتباط با تاریخ محیط‌زیست ایران انجام نگرفته است. بیشتر پژوهش‌ها ناظر به مقوله شکار در هنرهای صفوی و نقوش شکارگاهی و نمادهای مرتبط با آن است. میرزا امینی و شاه پروری در مقاله بررسی ماهیت وجودی نقش شکار در فرش‌های دوره صفویه (۱۳۹۲) به نمادشناسی و رمزپردازی شکار پرداخته‌اند. صباغ پور آرانی در مطالعه تطبیقی جلوه‌های شکار در فرش‌های صفویه و قاجار (۱۳۸۸) مفاهیم شکار را در فرش‌های دوره صفویه و قاجار مقایسه کرده است و در مقاله دیگر شیرازی و کشاورز تحلیل نقشه فرش‌های شکارگاهی محمدحسین مصورالملکی بر مبنای فرش‌های شکارگاهی دوره صفوی (۱۳۹۰) به بررسی نقشه فرش‌های شکارگاهی مصورالملکی اشاره کرده‌اند. ناگفته نماند که پژوهش‌های عام در حیطه صفویه پژوهی، همچون جلد دوم زندگانی شاه عباس اول (۱۳۴۴) از نصرالله فلسفی به تفریحات شاه عباس اول که شکار، بخشی از آن محسوب می‌شده، به صورت مجزا پرداخته است. با وجود این، پژوهش مستقل و تاریخی تاکنون در مورد شکار در دوره صفویه و تبعات آن از حیث مباحث تنوع زیستی و محیط زیست، صورت نگرفته است.

تعریف و مفهوم شکار

شکار در لغت به معنای صید کردن حیوان و هر حیوانی است که آن را با تیر زده یا با دام می‌گیرند (عمید، ۱۳۶۰ و دهخدا، ۱۳۵۴: ذیل شکار). شکار، برخاسته از نیاز به غذا، مهارت شکارگری، حبّ نفس، سدّ جوع و برتری‌جویی بوده است (خسروی، ۱۳۸۳: ۱۸). و گاهی نیز در زمره امور مقدس و مذهبی تلقی شده است (Gilhus, 2006, p: 121). از لحاظ نمادگرایی، کشتن حیوان نشانه از بین بردن جهل و گرایش‌های پلید و پی‌گرفتن ردپای خداوند و صید است (شوالیه و گربان، ۱۳۸۵: ۷۱-۷۵). گاهی شاه، شکارچی- راهبر، نخستین فرد در مبارزه و والاترین کاهن به حساب می‌آمد (کخ، ۱۳۸۲: ۴۲). شکار در نزد هخامنشیان و ساسانیان جایگاه ممتازی داشت که با اقتدار و عظمت شاه، آموزش و پرورش سلطنتی جوانان اشراف جهت مهارت در جنگاوری و افزایش قوای جسمی و بدنی تلفیق و هماهنگ شده بود (بریان، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵۱۵ و کریستین سن، ۱۳۸۴: ۴۰۴-۴۰۵: تاجبخش، ۱۳۵۷: ۳۳۰). استمرار این امر در دوره ایران اسلامی نیز مشاهده می‌شود. لسان طیبی در رساله «صیدیه»، بهترین و لایق‌ترین کار و شغلی که سلاطین بعد از رتق و فتق امور و انتظام احوال سپاه و رعیت به آن می‌پردازند را صید و شکار و گشت در صحرا و مرغزار می‌داند (لسان طیبی، ۱۳۹۳: ۴۶). ردپای علاقه‌مندی پادشاهان و مردم عصر صفویه به شکار را می‌توان در متون ادبی و هنری نیز یافت.

زهره می‌بازد عقاب از خنده مستانه‌ام من نه آن کبکم که صید خود کند شاهین مرا

(صائب، ۱۳۶۴: غزل ۱۷۵)

در آثار هنری و صنایع دستی و مخصوصاً نقوش شکارگاهی در قالی دوره صفوی اهمیت بسیاری داشته و گاه به‌مثابه کالایی نفیس به دیگر سلاطین اهدا می‌شد (دبماند، ۱۳۷۹: ۳۰۷). مقوله شکار به متون فقهی نیز راه یافته از جمله شیخ بهایی در «جامع‌عباسی» به احکام فقهی شکار و حرمت شکار بی‌رویه و بی‌رحمانه حیوانات پرداخته است (شیخ‌بهایی، ۱۳۱۹: ۱۰) رساله «خواص‌الحیوان» منبع مهم و ارزنده‌ای درباره جانورشناسی، در دوره صفویه توسط علی‌بن عبدالواسع کامی‌لاهیجی در سال ۱۰۳۳هـ ق نگاشته شده است که اطلاعات ارزنده‌ای درباره جانوران بومی لاهیجان دارد (کامی‌لاهیجی، ۱۳۹۳: ۲۰). فرایند

شکار شامل دو ویژگی ظاهری و محتوایی است در نوع اول ابزار شکار، نحوه تربیت پرندگان و حیوانات شکاری و محل آنها و در نوع دوم انگیزه‌های شکار است که می‌توان ردپایی از اخلاق محیط‌زیست و شکار را در این رابطه بررسی نمود.

ابزار، وسایل و حیوانات شکاری در دوره صفویه

برای شکار حیوانات از سلاح‌هایی نظیر تبر، شمشیر و دشنه‌های فلزی، تیر و کمان استفاده می‌شد (نسوی، ۱۳۵۴: ۳۶ و ۳۸). همچنین شکار با تفنگ، مرغان شکاری و تازی‌های صیاد، آزاد بود و در واقع هرکس می‌توانست با هر وسیله‌ای که در دسترس داشت به شکار بپردازد (شاردن، ۱۳۷۴: ۲/ ۷۵۳). اغلب پادشاهان صفوی در تیرافکندن با کمان و تفنگ مهارت بیشتری نسبت به دیگر وسایل شکار داشتند (سانسون، ۱۳۷۷: ۸۱). این گونه ابزار بیشتر مورد استفاده حیواناتی بود که تیزرو و نزدیک شدن به آنها برای شکار میسر نبود. در بعضی اوقات از شمشال، تفنگ سر پُر و سنگین (عمید، ۱۳۶۳: ذیل شمشال) در شکار استفاده می‌کردند (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳).

با توجه به هزینه نگهداری و تربیت پرندگان شکاری در دوره صفویه، این عمل بیشتر توسط دربار انجام می‌گرفت. نحوه تربیت شکار پرندگان شکاری به گونه‌ای بود که هرکدام از آنها با توجه به نوع جثه و نوع حیوان شکار شونده تعلیم و پرورش می‌یافت. پرندگان شکاری برای متوقف ساختن سواره در حال تاخت هم تربیت شده بودند. باز، قرقی، چرغ^۱ و پرندگان شکاری از جمله پرندگان شکاری بودند (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳-۳۴ و فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۲۸). پرندگان شکاری در ایران هر روز تعلیم می‌دیدند و علاوه بر پرندگان، برای حیواناتی چون گراز، گورخر، روباه، خرگوش و حیوانات شکاری دیگر هم تعلیم می‌دادند (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۴ و (شاردن، ۱۳۷۴: ۲/ ۷۵۴). گاه شکارچیان با اسب شکار را چندان دنبال می‌کردند که حیوان خسته و درمانده شود، آن‌گاه پرنده شکاری را به سوی او رها می‌کردند و پرنده او را تعقیب نموده تا شکارچی به طعمه برسد (شاردن، ۱۳۷۴: ۲/ ۷۵۴). به این دلیل که بزهای وحشی حیوانات سبک و تیزروی بودند، مجبورند آنها را با تفنگ شکار کنند. شکارچیان برای تسریع

۱. «چرغ از شکارگران سیه چشم است و در کوه و دشت و کناره‌های دریا زندگی می‌کند. علت این نامگذاری به سبب چرخیدن و دور زدن این مرغ است در پرواز. وی به حیواناتی چون کلنگ، غزال و خرگوش حمله می‌کند» (پوردوود، ۱۳۲۶: ۳۱۴).

در امر شکار، شترانی را برای دنبال کردن بزها تربیت نمودند که بعد از زخمی شدن شکار، آن را دنبال می‌کند و بعد از صید، منتظر صاحبش می‌ماند (شاردن، ۱۳۷۴: ۲/۷۵۷). شکار غزال توسط یوز صورت می‌گرفت. سوارکار، یوز را بر ترک اسب می‌نشاند و با دیدن غزال او را رها و یوز بسیار سریع او را خفه می‌کرد (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۵).

همچنین شکار را با حیواناتی نظیر شتر و یوز و در موارد خاص و نادر، حیواناتی مانند شیر، پلنگ و دیگر درندگان که تربیت می‌شد، انجام می‌دادند (کاری، ۱۳۴۸: ۶۷-۶۸). گاهی نیز سگ‌های شکاری به شکار خرگوش و پلنگ‌های تربیت شده برای شکار بزهای کوهی، گوزن، گرگ و خوک فرستاده می‌شد (سانسون، ۱۳۷۷: ۸۰).

پرندگان شکاری در مراسم شکار پادشاهان صفویه، مورد استفاده قرار می‌گرفت. هریک از پرندگان و مرغان شکاری در جای مخصوصی تربیت و نگهداری می‌شد. محلی که در آنجا قوش و باز تربیت می‌شد، بازخانه یا قوش‌خانه می‌نامیدند (شاردن، ۱۳۷۴: ۲/۷۵۳). باغ‌قوشخانه منحصر به شخص پادشاهان صفویه بود و هریک از بازها مربی و نگهبان مخصوص به خود را داشت (شاردن، ۱۳۷۴: ۴/۱۵۲۴ و تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳ و ۳۴ شاردن، ۱۳۷۴: ۲/۷۵۲). محل نگهداری قوش‌ها و پرندگان شکاری نقش بسزایی در نحوه تعلیم شکار و مدت عمر آنها داشت. قدشخانه، دارای ساختمان یا پناهگاهی هواگیر و روشن بود به نحوی که به سادگی پاک و تمیز می‌شد (فورد، ۱۳۷۶: ۲۰-۲۱). این پرندگان قیمت گران‌بهایی داشتند و شامل قرقی، قوش، سنقر، قوش نر، بالابان و شاهین بود.

بسیاری از اعیان و اشراف صفویه متناسب با شأن و منزلت خویش، پرندگان شکاری را نگهداری می‌کردند (شاردن، ۱۳۷۴: ۲/۷۵۳). پرندگان شکاری در دوره صفویه، در بازخانه یا قوشخانه بنا بر نوع شکار حیوانات، نگهداری و تربیت می‌شدند. علاوه بر باغ‌قوشخانه، در کاخ میرشکارباشی و قصر تفنگچی آقاسی پرندگان شکاری متعددی نگهداری می‌شد (شاردن، ۴/۱۵۲۴). در بازخانه شاهان صفویه، مشخصات حیوانات شکاری را که به دربار تقدیم شده یا شاه به دیگران اعطا می‌کرد، ثبت می‌کردند (شاردن، ۴/۷۵۳). هرکدام از این پرندگان شکاری، مخصوص شکار حیوانات خاصی بود؛ بعضی برای شکار گراز، گورخر، غزال و برخی دیگر برای شکار درنا، کلنگ، غاز، کبک و تیهو تربیت شده‌اند (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳).

صفویان و نظریه اخلاق انسان محوری (Anthropo- centrism) در شکار

رعایت حقوق حیوانات و حفظ گونه‌های مختلف آنان، از جمله موضوعاتی است که در حوزه اخلاق محیط زیست (Applied Ethics) قرار می‌گیرد (کرمی و نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲). از یک نظر نه تنها حیوانات، بلکه تمام آنچه روی زمین وجود دارد، مانند کوه، دریا، حیوانات و گیاهان نیز دارای حقوق‌اند (خوشیاری حاجی بابا و مجدی، ۱۳۹۲: ۱۷۴). «اخلاق محیط زیست شامل مطالعه رابطه انسان با آنچه که جزئی از محیط زیست یک موجود اخلاقی است، می‌شود» (بنسون، ۱۳۸۲: ۴۰). اخلاق محیط زیست، فضایل و رذایل اخلاقی ناظر به روابط انسان با محیط زیست را تحلیل می‌کند (شریفی، ۱۳۹۶: ۲۵). در اخلاق زیست محیطی، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد که مهمترین آن از حیث ارتباط با این گفتار، اخلاق «انسان‌محور»، «جانورمحور» و «اخلاق ملاحظات جهانی» است. طرفداران دیدگاه «جانورمحور» (Zoo- centrism) معتقدند، همه حیوانات و یا دست کم گونه‌ای از حیوانات باید در ملاحظات اخلاقی به‌طور مستقیم در نظر گرفته شوند (بهرام‌پور، ۱۳۹۰: ۴۷). لذا نوع رفتار انسان‌ها و محیط‌زیست بر گونه‌های جانوری تعیین کننده این اخلاق می‌باشد (Fabricius, 2001: p 6). بررسی‌های فلسفی - اخلاقی یا فرهنگی در این زمینه را باید وابسته به درک انسانی از شکار، دید غیر انحصارگرایانه جامعه به حیوانات (آشنایی و اهمیت حقوق جامعه با حقوق حیوانات)، فرهنگ دینی و همچنین سبک زندگی افراد در هر منطقه دید (Recreational, 2009: p 157). دیدگاه اخلاق ملاحظات جهانی (Universal consideration) که مکمل دو دیدگاه فوق است، همه موجودات را در حوزه ملاحظات مستقیم اخلاقی وارد می‌کند. حامیان این دیدگاه بر این باورند که همه پدیده‌ها با هم ارتباط دارند، از این رو همه پدیده‌ها، ارزش ذاتی و منزلت اخلاقی مستقیم دارند. در تعریف این دیدگاه گفته شده است: «ملاحظه عام یعنی توجه به همه موجودات از هر نوع با هدف تعیین تکلیف اخلاقی مستقیم ناشی از ارتباط با آنها، باید به عنوان یکی از اصول محوری سازنده عقلانیت عملی قلمداد کرد» (Nelson, 2001: p 466). دیدگاه اخلاق همه چیز، به عبارتی رعایت اخلاق در تمام موجودات را شامل می‌شود. اما به لحاظ تاریخی اولین دیدگاه در اخلاق محیط زیست، همان اخلاق «انسان‌محور» است که در آن سیاست‌های زیست محیطی تنها براساس تأثیرگذاری بر انسان ارزیابی می‌شود. این دیدگاه سودجویانه، تنها به

منافع انسان توجه می‌کند و به گونه‌های زیستی توجه خاصی ندارد و پیامدهای گوناگون مساله زیست محیطی را در بستر لذت و آلم انسان‌ها محاسبه کند و تنها برای انسان‌ها ارزش ذاتی قائل باشد (بهرام پور، ۱۳۹۰: ۴۴-۴۵). در این دیدگاه، فقط انسان‌ها هستند که حق و حقوق مستقل دارند و حقوق دیگر موجودات در ارتباط با انسان تعریف می‌شود (Nelson, 2001: p 445) در واقع این رفتار انسان است که زیست محیط را تعریف و چارچوب نحوه استفاده از آن را تعیین می‌کند. دامنه این امر تا به حدی است که نوعی از شکار وجود دارد که به آن شکار یادگاری می‌گویند، در این نوع شکار شخص برای سرگرمی به دنبال شکار گونه‌های نادر، یا گونه‌های در خطر انقراض هستند (Erik Cohen, 2014: p 3-4). با اینکه نتیجه شکار کشتن جاندار است، با این حال شکارچیان معمولاً بیان می‌کنند که حیوانات را دوست دارند و یا اینکه آنچه برای آنان مهم و سرگرم کننده است تعقیب شکار و مهارتی است که در رسیدن به شکار نهفته است (Stebbins, 1982: p 251). در واقع مورد اخیر نیز از «انسان‌محوری» شکار نمی‌کاهد.

در خصوص ارتباط این نظریه با نوع شکار در عصر صفویان باید گفت؛ اگر به فهرست مبسوطی از ابزار و وسایل شکار، که در سطور فوق اشاره گردید و یا انگیزه‌ها، مناصب و تشکیلات شکار و مخاطرات آن که در پی خواهد آمد، توجه شود، به وفور اخلاق «انسان-محوری» شکار در این دوره قابل مشاهده است. این رویه «انسان‌محوری شکار» هرچه به سمت بالای هرم، یعنی شاه و اطرافیان‌ش می‌رود خود را بیشتر نمایان ساخته است.

شکار در خدمت مفهوم قدرت و شکوه شاهان صفوی

برگزاری شکار توسط پادشاهان، آمادگی رزمی و ایجاد ترس و دلهره در دل دشمنان، در کنار جشن و تفریح را نشان می‌داد (مجبی، ۱۳۷۷: ۱۰). شاه اسماعیل اول برای نشان دادن این امر، دستور ساختن مناره‌هایی با سر شکار در قصر زمستانی‌اش در خوی داده بود (باربارو، ۱۳۴۹: ۱۶۵). شاه عباس اول برای اینکه به شکار اظهار علاقه کند و آن را به مردم نشان دهد بعضی از تیرها را برمی‌داشت و با دست آزمایش می‌کرد (دلواله، ۱۳۷۰: ۲۳۳-۲۳۴). پادشاهان صفویه، تشکیلات عالی برای شکار داشتند و زمانی که از شکار برمی‌گشتند، تعدادی از بزرگان دربار، با صفی منظم ردیف می‌شدند. آنچه بر جلال و شکوه

این منظره می‌افزود، پرنده‌های شکاری بود که با الماس و سنگ‌های قیمتی آراسته، یا بوسیله کلاهک‌های مروارید دوزی شده تزیین می‌شدند (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳ و کشیشان ژزوئیت، ۱۳۷۰، ۱۰۱). علاوه بر پادشاهان صفویه، بزرگان و صاحب‌منصبان دربار، نیز تشکیلات مخصوص شکار را داشتند؛ پرندگان گرانبهایی نظیر باز یا شاهین، در همراهی شخصیت‌های والا مقام، نقش به‌سزایی داشت (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۱۸/۲). هرچه این حیوانات شکاری نایاب و گرانبهاتر بود، فرد ارزش بالاتری نسبت به دیگر صاحب‌منصبان داشت. تشخیص یافتن، و مهارت در امر شکار باعث می‌شد که گاهی شاهان صفویه، سفیران و سیاحان کشورهای دیگر را برای شکار با خود همراه کنند. برادران شرلی در هنگام رسیدن به شهر کاشان به همراه شاه عباس اول به شکار پرداختند (برادران شرلی، ۱۳۶۳: ۸۷). شاه صفی در سال ۱۰۴۷ هـ ق ایلچی شاه جهان، والی هندوستان را به همراه خود به مجالس بزم بُرد و در شکارگاه وی را مورد شفقت و عنایت خویش قرار داد (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۶۹). وی همچنین سفرای تاتارستان، روسیه و هند را همراه خود به شکار بُرد (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۵). تاورنیه به همراه شاه عباس دوم به شکار رفت (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۵۲). شاه عباس ثانی برای نشان دادن هنرنمایی در امر شکار، ایلچی هندوستان را با خود همراه ساخت و مهارت و توانایی وی مورد تحسین ایلچی قرار گرفت (وحیدقزوینی، ۱۳۸۳: ۴۳۱-۴۳۲). بدیهی است که امر تفاخر در شکار به شدت بر انسان محوری متکی است. در این فرایند، حیوان تنها از حیث شکار شدن و در راستای بزرگ‌نمایی شاه و دیگران ارزشمند است.

مناصب شکار در تشکیلات دوره صفویه

با توجه به گسترش شکار پادشاهان و دربار صفویه، مناصب متعددی مانند میرشکارباشی، اماجدار و قوشچی‌گری شکل گرفت که هر کدام از آنها با توجه به نوع وظیفه شان، مکمل همدیگر محسوب می‌شدند. میرشکارباشی که افراد زیادی در سراسر کشور زیر فرمان وی بودند، یکی از مناصب شکار بود که با توجه به رونق شکار اهمیت یافت. وی وظیفه قوشچی‌باشی را انجام می‌داد و پرندگان، سگ‌های شکاری و قوشخانه تحت نظر وی نگهداری می‌شدند (شاردن، ۱۳۷۴: ۳ / ۱۲۲۵-۱۲۲۶ و تاورنیه، ۱۳۸۲: ۲۴۷ و فلسفی، ۱۳۴۷، ج ۲: ۴۰۵). در زمان شاه سلیمان (۱۰۴۵-۱۰۷۳ هـ ق) هشتصد باز در قوشخانه وجود

داشت که برای نگهداری از آنها فقط یک نفر مخصوص را مشخص کرده بودند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۰۳). در کنار منصب میر شکارباشی، أماجدار در دربار صفوی، به تمامی غلام‌بچه‌ها و کارکنان دربار تیراندازی آموزش می‌داد (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۷۵۰ / ۲). منصب قوشچی‌گری در ردیف‌های پایین مناصب بشمار می‌رفت (ترکمان، ۱۳۸۳: ۱۷۳۲ / ۲) موجب سالانه میرشکارباشی، هشتصد تومان و همه‌ساله از گروه‌های مختلف و ساکنین شهرها مقداری پول، به عنوان انعام دریافت می‌کرد. علاوه بر آن اراضی ممالک عموماً از طریق تصدی یا عایدی به مناصب اداری خاصی تعلق می‌گرفت که البته میرشکارباشی هم از این امر مستثنی نبود (متی، ۱۳۹۳: ۱۴۸). امیرشکارباشی (رئیس شکار) بخشی از درآمد خود را از ابهر، قزوین و سلطانیه دریافت می‌کرد (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۳۱۶) امرای عالیجاه و حکام ممالک دیگر، هرساله یک مرتبه می‌بایست حیواناتی را اعم از شکاری و غیر شکاری برای میرشکارباشی ارسال می‌کردند (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۸۵). اگرچه مناصب شکار در این عصر، با اهمیت و درخور توجه بود اما از حیث ملاحظات اخلاقی صیانت از جانوران، شامل حال همه حیوانات نمی‌شد بلکه تمامی این تشکیلات در خدمت اقناع شخص سلطان یا شکارچی قرار داشت. از سوی دیگر چرخه شکار و شکارچی به نوعی بود که هزینه نگهداری حیوانات شکارچی گرانبها، برای همگان امکان‌پذیر نبود و نیز نگهداری این حیوانات، مسلزم وجود شکار بود.

هدیه و پیشکش در شکار

اگر بنا به تعدیل در افراط شکار توسط شاهان صفوی هستیم باید پذیرفت که پرندگان شکاری از جایگاه و ارزش بالایی برخوردار بودند و گونه‌های کم‌یاب این پرندگان و حیوانات ارزشمند بود. در این قسمت گاهی بنا به ارزش و زیبایی پرندگان شکاری، از آنها مراقبت شدیدی انجام می‌پذیرفت و می‌توان گفت بیشترین رعایت حقوق حیوانات تنها در این نوع اتفاق می‌افتاد اما به نظر می‌رسد که این امر از حیث حقوق جاندار و محیط زیست نبود بلکه صرفاً از دریچه نگاهداری حیوان شکارچی برای شکار بود. هدیه دادن که در بین پادشاهان و درباریان صفویه جزو عرف و مناسبات شاهانه بود و در واقع بیشتر روابط سیاسی و اجتماعی شامل مبادله هدایا و پیشکش بود (دلواله، ۱۳۷۰: ۲۳۱ و متی، ۱۳۹۳: ۴۰) شامل

پرنندگان گرانبها شکاری نیز می‌شد. شاه‌طهماسب به محمد خان شرف‌الدین اقلی در باب پذیرایی از همایون، پادشاه معزول گورکانی «شنقار و باز و چرغ^۱ و باشه و شاهین و بحری... پیشکش نمود» (حسینی مرعشی تبریزی، ۱۳۷۰: ۴۰۰) مرغان و پرنندگان شکاری از جمله هدایای نفیسی بود که شاه عباس اول به بزرگان مورد اعتماد و حاکمان ایالات می‌داد و یا از دیگران دریافت می‌نمود (شاردن، ۱۳۷۴: ۲/ ۷۵۳ و تاورنیه، ۱۳۸۲: ۲۸۷ و شاردن، ۱۳۷۴: ۴/ ۱۵۸۱ و تاریخ عباسی، ۱۳۶۶: ۳۰۰). شاه عباس اول در نامه خود به پادشاه روسیه از وی تقاضای باز شکاری (شنقار) کرد و پادشاه روسیه هم با درخواست وی موافقت کرد (نوبی، ۱۳۷۷: ۲۰۹). دلاواله می‌نویسد که سفیر اسپانیا برای ادای احترام در مقابل پادشاه صفویه، تعدادی باز شکاری و پرنده‌گانی شبیه به آن هدیه داد (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۳۲-۲۳۳). استفاده از این پرنندگان با دستکشی به نام بهله انجام می‌گرفت که دستانه یا دستانه از جنس چرم و مخصوص بازداران و میرشکاران بود (منشی قمی، ۱۳۶۳: ۵۴ و فورد، ۱۳۷۶: ۶۸). گوشت شکار نیز در بعضی موارد از سوی دربار صفوی در قالب هدیه و پیشکش به دیگران اعطا می‌شد (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۰۸). گاه بهای هرچه به شاه هدیه داده می‌شد در مقابل پرداخت می‌شد و نیز در صورت مردن هدایای شکار سفیران در طول سفر، باید سر و بالش را به دربار ببرند، تا آن را در شمار مرغان زنده خود به حساب نیاورند (شاردن، ۱۳۷۴: ۲/ ۷۵۳).

پیامدهای غیراخلاقی شکار

تلفات انسانی شکار

اوج «انسان‌محوری» در شکار را می‌توان در دو مقوله شکار شاهی و تلفات انسانی و آسیب به زیست‌حیوانات از طریق شکار دسته‌جمعی دانست. در نوع نخست باید به انسان-محوری مفرط و خودسرانه شاه و اطرافیانش و در نوع دوم به بی‌اعتنایی مطلق در رعایت حقوق حیوانات توجه نمود. اگرچه شکار منحصر به پادشاهان صفویه نبود؛ شاردن بیان می‌کند که مردم در دوره صفویه در زیر زین اسب خود طبل‌های کوچک قرار می‌دادند تا در

۱. مرغی است به بزرگی شاهین که بیشتر در بلاد شمال است و در زمره پرنده‌گام با ارزش بوده است که قیمت گزافی دارد (کامی لاهیجی، ۱۳۹۳: ۱۹۳-۱۹۵).

گشت و گذار صحرا، با به صدا درآوردن آن، پرندگان را فریب و از این طریق آنها را شکار کنند (شاردن، ۱۳۷۴: ۲/۷۵۵). اما شکار شاهی، امری متفاوت بود که تبعات مخرب انسانی نیز داشت. در بسیاری از موارد شکار پادشاهان صفویه به همراه مردم آن مناطق صورت می‌گرفت که غالباً روستائیان بودند که محیط شکارگاه را مهیا می‌کردند. شاه عباس اول در سال ۱۰۰۱ق/ ۱۵۹۳م در منطقه‌ای به نام چال سیاه از بیلاقات اطراف اصفهان فرمان داد تا مردم آن ناحیه در امر شکار با وی همراه شوند (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۳۶۹). روستائیان در کنار اردوی شاهی موظف بودند که شکارگاه را آماده سازند. وی در سال ۱۰۰۳ق/ ۱۵۹۵م در گیلان به شکار پرداخت و حدود ۱۰ هزار نفر از روستائیان این ناحیه را برای انجام کار به خدمت گرفت (ترکمان، ۱۳۸۳: ۴۹۳/۱). شکارهایی که در نواحی زندگی روستائیان بود، سختی و مشقت فراوانی برای آنها داشت زیرا چند روز از زندگی و امورات خود را صرف همراهی پادشاه در منطقه می‌نمودند.

شکار برای صفویان، منحصر به یک فصل نبود و گاهی پادشاهان صفوی بدون در نظر گرفتن شرایط آب و هوایی به شکار می‌پرداختند که همین امر خسارت جانی و مالی برای مردم داشت. به‌گونه‌ای که شکار حتی در زمستان هم ادامه داشت و شدت برف و سرما بر تصمیم پادشاهان در شکار حیوانات تأثیری نداشت (سانسون، ۱۳۷۷: ۸۱). می‌توان به شکار بهرام میرزا برادر شاه طهماسب اول در ۱۶ نوامبر/ ۴ رجب اشاره کرد؛ وی زمانی که برای شکار رفته بود، به علت شرایط نامساعد جوئی، هوای سرد و باد شدید نتوانست به شکار پردازد (ممبره، ۱۳۹۳: ۲۶). شرایط نامناسب آب و هوایی سبب می‌گردید، روستائیان که در شکار با پادشاهان همراهی می‌کردند، دچار زیان گردند. در سال ۱۰۰۱ق/ ۱۵۹۳م شاه عباس برای شکار به اطراف اصفهان رفت و با وجود سردی هوا حاضر به انصراف نبود و این امر باعث شد که بسیاری از روستائیان به علت سرمازدگی هلاک شوند (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۳۹۶). در سال ۱۰۲۱ق/ ۱۶۱۳م هنگامی که شاه‌عباس برای شکار به گیلان سفر کرده بود از ۳۰ هزار نفر از مردم گیلان که برای شکار برده شده بودند، ۲۷۰۰ نفر از آنها به علت سرمای شدید جان خود را از دست دادند (فومنی، ۱۳۴۹: ۲۱۶-۲۱۷).

نگهداری و پرورش مرغان شکاری، علاوه بر جنبه نمادین و تجملاتی، مخاطراتی را

برای همراهان شاه داشت. شاردن بیان می‌کند که علی‌قلی‌خان حاکم تبریز، در کنار نگهداری از مرغان شکاری، با آنها تفریح می‌کرد و «روزی یکی از مرغان شکاری را به سوی یکی از نجیب زادگان پرواز داد و چون پیش از وقوع حادثه او را نگرفتند چشمان نجیب زاده را کند. نجیب زاده از شدت جراحت درگذشت» (شاردن، ۱۲/ ۷۵۵). گاهی شکار دسته جمعی حیوانات، باعث آسیب و حتی قتل افراد می‌شد. در عالم‌آرای شاه‌اسماعیل آمده که شاه اسماعیل اول «چون جماعت الوار، آهویمان و غیره، شکاری در یک جا جمع نموده خبر آوردند که نره پلنگی از دهن کوه داخل شکار شده و روی به جماعت شکاریان گذاشته تا پانزده نفر به قتل رسانید» (ناشناس، ۱۳۸۴: ۱۸۰). لذا قتل شکارچیان بواسطه حمله حیوانات نیز تلفات انسانی در بر داشت.

آسیب به زیست حیوانات از طریق شکار دسته جمعی

تاورنیه سیاح و جهانگرد فرانسوی، اضافه می‌کند؛ امر شکار در ایران را بسیار آسان است؛ زیرا موقعیت جغرافیایی ایران باز است و جنگلی ندارد که دید پرندگان را محدود کند (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳). در دوره صفویه، شکار دسته‌جمعی رواج گسترده‌ای پیدا کرد. چنان که درباره این نوع شکار بی‌رحمانه، گزارش‌های متعددی ثبت شده‌است. قزوینی به شکار آهوان به صورت دسته جمعی اشاره دارد که بسیاری از آنان به واسطه این نوع شکار تلف شدند. اغراق در شکار چنان بود که وی پس از گزارش شکار شاه به زبان شعر نوشت:

به گرد آهوان ترکان خونخوار صف مژگان نموده نرگس یار
در آن هنگامه از شاخ گوزنان درختستان خشکی شد نمایان»

(وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۴۳۳-۴۳۶)

شکار دسته جمعی آهوان در یک محیط محصور شده، بر تعداد تلفات آنان می‌افزود. به طوری که فقط تعداد کمی از آنها شکار و بقیه به دلیل ترس و وحشت از بین می‌رفتند. ترکمان گزارشی از شکار در سرزمین میانکال اشاره دارد که آب دریا سه طرف آن‌را فرا گرفته و فقط از یک طرف به خشکی متصل بود و در غوغا و هنگامه شکار، تعداد زیادی از گونه‌های مختلف غزال، آهو و یوزپلنگ و جانوران کوهی شکار شدند و پاره‌ای نیز غرق

شدند (ترکمان، ۱۳۸۳: ۲ / ۱۵۶۰). این نوع شکار بی‌رحمانه، علاوه بر آسیب‌رسانی به حیوانات، صحنه دلخراش و دل‌آزرده‌ای را رقم می‌زد. با اینحال شاه عباس اول برای جلوگیری از آسیب‌رسانی و حفظ گونه‌های زیستی، از ایوانکی تا مشهد را به عنوان یک منطقه حفاظت شده در نظر گرفت و شکار آهو را ۴۰۰ سال در این منطقه ممنوع ساخت (قزوینی، ۱۳۸۳: ۶۹). فیگوئروا در سفر خویش از فراوانی کبک در لار صحبت می‌کند اما به علت نایابی این حیوان در شیراز، حکومت صفویه جریمه‌ای از شکارکنندگان دریافت می‌کرد (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۴۶-۱۴۷). علاوه بر شکار دسته‌جمعی آهوان توسط پادشاهان صفویه، شکار گورخر هم رواج داشت. اولتاریوس بیان می‌کند که در زمان شاه صفی حدود ۳۰ آهو و گوزن را وارد محوطه‌ای کردند و با تیر و گلوله شاه شکار شدند. پس از جمع‌آوری شکار، گوشت آنها را به آشپزخانه سلطنتی در اصفهان فرستادند (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۲ / ۵۷۰). تعدد شکارهای بی‌رحمانه و دسته‌جمعی حیوانات، تأثیر به‌سزایی در از بین رفتن تنوع زیستی آنها داشت. در این نوع شکار، حیوانات بسیاری تلف و گاه تعداد کمی از آنها شکار می‌شدند.

شکارگاه صفویان؛ آمیزه‌ای از بزم و رزم

تشخیص آنکه تا چه حد شکار به مهارت رزمی و تا چه اندازه به بزم و تفریح و خوشگذرانی باز می‌گردد ساده نیست و گاه درهم آمیختگی این دو جدا نشدنی است. شکارگاه، میدان اصلی شاهان برای قدرت‌طلبی و احساس تفوق بر طبیعت و احساس پیروزی بود و در هنگامی که از رزم خبری نبود به مجلس بزم تبدیل می‌شد (نسوی، ۱۳۵۴: ۴۷). اوج این نوع شکار وقتی بود که شاهان صفویه، زنان حرم را با خود همراه می‌کردند. در این نوع شکار، رجال و بزرگان می‌بایست دور از چشم حرم، به نخجیرافکنی و شکار می‌پرداختند (سانسون، ۱۳۷۷: ۸۰). شاه‌عباس با زنان حرم دو روز در شهریار اقامت نموده و پس از عیش و سواری و شکار یک گوزن به دست خود، به زیارت عبدالعظیم رفته است (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۶۷۶). تاورنیه بیان می‌کند که شاه‌سلیمان بیشتر وقت خود را به شکار همراه زنانش می‌پرداخت (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۱۸۷). می‌توان ادعان کرد که با توجه به عدم حضور زنان حرمسرا در جامعه و دیگر مکان‌ها، حضور در شکارگاه‌ها و شکار حیوانات برای آنها نوعی تفریح محسوب می‌شد. شکارگاه‌ها متناسب با اقلیم جغرافیایی، تنوع زیستی

حیوانات مختلف انتخاب می‌شد. بعضی از شکارگاه‌ها به صورت عادی و برخی دیگر منحصر به خود پادشاهان صفویه بود. در شکارهای عادی رسم چنان بود که وقتی صیدی در تنگنا قرار می‌گرفت شکارچیان صبر می‌کردند تا آن کسی که مقام و مرتبت بالاتر نسبت به بقیه دارد به حیوان تیراندازی کند، سپس دیگران به ادامه این کار بپردازند (شاردن، ۱۳۷۴: ۲/۷۵۶).

یکی از نقاط مورد علاقه شاه‌عباس دوم برای شکار، شهریار (نزدیک تهران کنونی) بود که در آن زمان بسیار با صفا و دارای آب فراوان و چمنزارهای وسیع بوده و انواع شکارها مانند گوزن، گراز و شکارهای پرنده در آنجا یافت می‌شد (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۶۷۶). کناره زاینده‌رود به همراه امرا و خواص و مشغول شدن به باده‌گساری و تماشای شیران شکاری و صید ماهی توسط صیادان از مکان‌هایی بود که شکار و تفریحات شاه‌عباس دوم در آنجا صورت می‌گرفت (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۷۳۰). مستوفی قزوینی در ذکر ولایات عراق عجم به زنده‌رود و گاوخونی اشاره می‌کند که «شکارگاه‌های فراوان و نیکو دارد» (مستوفی، ۱۳۷۸: ۹۰). علاوه بر آن مازندران به دلیل دامنه‌های پوشیده از جنگلهای انبوه و چراگاه‌ها یکی از بهترین اماکن برای تفریح و شکار به‌شمار می‌رفت (بارتلد، ۱۳۷۷: ۲۹۷، ترکمان، ۱۳۸۳: ۱۶۴۶/۲). از جمله نواحی فرحبخش مازندران می‌توان به (پرسته‌کل) اشاره کرد که شاه‌عباس دوم به دلیل آب و هوای مناسب به شکار «اصناف مرغابیان و تذرو و گوزن و گراز و گور» و مجلس بزم می‌پرداخت (وحیدقزوینی، ۱۳۸۳: ۶۷۹). نواحی گیلان، رشت، مازندران و لاهیجان از بهترین مکان‌ها برای شکار محسوب می‌شدند (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۹۸). شاه صفی علاقه‌مند به شکار در بلوکات قزوین بود (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۹۷) که به دلیل اقلیم جغرافیایی متفاوت، تنوع شکارگاه‌ها و علفزارهای نیکو دارد (مستوفی، ۱۳۷۸: ۱۰۰). شاه‌صفی در اردستان، حیواناتی نظیر کبک را شکار کرد (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۸۴). نواحی شکارگاه در بعضی موارد، باغ یا مکانی محصور بود که در کنار آن به سیر و تفریح می‌پرداختند (ترکمان، ۱۳۸۳: ۲/۸۸۳-۸۸۴). طبق روایات گفته شده؛ علاقه‌مندی شاه‌عباس دوم و شاه صفی به شکار بزمی بیشتر بوده و این امر تا حدودی به دوری جانشینان شاه‌عباس از جنگ و جدال‌های سیاسی و خونین و آرامش بیشتر کشور باز می‌گردد.

در جدول ۱ و ۲، درباره نوع و نحوه شکار حیوانات در دوره صفویه و گستره مناطق شکارگاهی اشاره شده است.

جدول ۱: گزارش‌های نوع و نحوه شکار حیوانات

نوع حیوان	نحوه شکار
کلنگ ^۱	در زمان شاه عباس اول، شکار کلنگ بوسیله چرخ و شاهین، صورت می‌گرفت (نسوی، ۱۳۵۴: ۹۴). شکار قهال با کمک شاهین انجام می‌گرفت (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۳۷۴-۳۷۵). چرخ و شاهین در صید کلنگ، قاز و سایر طیور بزرگ، استفاد می‌شد (کامی‌لاهیجی، ۱۳۹۳: ۱۹۴ و نسوی، ۱۳۵۴: ۱۵۶).
کبک	کبک معمولاً توسط باز شکار می‌شد (نسوی، ۱۳۵۴: ۳۲؛ فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۴۶-۱۴۷؛ تاورنیه، ۱۳۸۵: ۳۵۰-۳۵۱؛ و کامی‌لاهیجی، ۱۳۹۳: ۲۱۵ و ۱۹۹).
ماهی	شاه اسماعیل اول در دوره اختفای خویش در ناحیه لاهیجان و گیلان به شکار و صید انواع ماهی می‌پرداخت (ناشناس، ۱۳۶۴: ۲۷۸) (استرآبادی، ۱۳۶۴: ۵۰). شاه طهماسب اول از شکار ماهی لذت می‌برد (ممبره، ۱۳۹۳: ۲۳؛ کامی‌لاهیجی، ۱۳۹۳: ۳۰۶).
خوک	شکار خوک در نواحی جنگل گیلان رواج داشت (ترکمان، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۹۲). در شکار شاه عباس اول در سال ۱۰۲۰ در رشت و فومن ۹۲ خوک کشته شد بیست و دو عدد مقتول شاهی بودند. در زنگول فومن ۶۸ خوک کشته شد که بیست عدد به دست شاه بود (منجم، ۱۳۶۶: ۴۳۰).
باز ^۲	مقام و منزلت بازاریان نسبت به دیگر مناصب شکار بالاتر بود بازاریان یا بازاریاران در شکارگاهها باز بر دست داشتند و پادشاهان از آنها می‌گرفتند و می‌پروراندند (نسوی، ۱۳۵۴: ۶۳). باز معمولاً پرندگان و گاه دوندگانی را شکار می‌کند (نسوی، ۱۳۵۴: ۶۲؛ کامی‌لاهیجی، ۱۳۹۳: ۱۹۲؛ خسروی، ۱۳۸۳: ۲۸). دو تا از برادران شاه طهماسب اول، بهرام میرزا و سام میرزا تعدادی باز داشتند (ممبره، ۱۳۹۳: ۲۳).
گراز	شکار گراز بیشتر برای سفیران و سیاحان صورت می‌گرفت. این گرازها بیشتر در نواحی شیراز شکار می‌شدند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۴۶-۱۴۷)

۱. «کلنگ مرغی معروف است و کم جانوری به بلندی او پرواز کند. صید آن به تیر، تفنگ، دام، تله، چرخ و بحری است» (کامی‌لاهیجی، ۱۳۹۳: ۱۹۹).

2. Falco imperialis

پلنگ	در سال ۹۱۴ هـ.ق در شکارگاه ملک شاه رستم، شاه اسماعیل پلنگی را شکار و از پای درآورد (ناشناس، ۱۳۸۴: ۱۸۰-۱۸۱).
شیر	در سال ۹۱۴ هـ.ق هنگام بازگشت شاه اسماعیل اول از فتح بغداد، به شاه خبر داده که شیری عظیم الجثه اجازه عبور سپاهیان را نمی‌دهد. شاه به همراه امرای خاصه به شکار شیر رفت و او را از پای درآورد (ناشناس، ۱۳۸۴: ۱۸۱).
بلدرچین	شاه اسماعیل اول قبل از جنگ چالدران برای آزمودن خود در تیراندازی به شکار بلدرچین پرداخت (ناشناس، ۱۳۶۴: ۳۰۳؛ روملو، ۱۹۳۱: ۲۳۵-۲۳۶).

جدول ۲: گستره شکارگاه‌های صفویان براساس گزارش‌های موجود

اماکن شکار
تهران (شهریار)، اصفهان (زاینده رود)، مازندران (پرسته‌کل)، گیلان، رشت، مازندران و لاهیجان، قزوین، اردستان (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۷۶ و ۷۳ و ۷۹ و ۲۹۸ و ۲۹۷ و ۲۸۴).
شیراز (فسا) (لار) (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۲۸ و ۱۴۶-۱۴۷)
اصفهان (چال سیاه) (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۳۶۹)
کاشان (برادران شرلی، ۱۳۶۳: ۸۷)
گیلان (ترکمان، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۹۳)
گیلان (فومنی، ۱۳۴۹: ۲۱۶-۲۱۷)
لاهیجان و گیلان (ناشناس، ۲۷۸: ۱۳۶۴) (استرآبادی، ۱۳۶۴: ۵۰)

نتیجه

بدون توجه به تاریخ و پیشینه آنچه بر محیط زیست و اخلاق شکار در ادوار مختلف یک قوم سپری شده پرداختن به این مسائل شتابزده و دور از واقع‌بینی است. انقراض نسل گونه‌های مختلف جانوری، از بین رفتن زیستگاه‌ها و شکارگاه با توجه به فرهنگ شکار قومی در گذر زمان به وجود آمده است.

اگرچه نظرات محیط‌زیست و اخلاق شکار با توجه به معضلات جهان کنونی تازه و پُراهمیت است، پیشینه فرهنگی و تاریخی در این خصوص نقش مهم و بارزی ایفا می‌کند هم از این‌رو که استمرار شیوه‌های زیست‌محیطی و حقوق شکار و حیوانات در ایران نهادینه شده که تبعات مخرب یا مثبتی دارد و هم از این حیث که واکاوی آن ما را با آنچه در گستره محیط زیست و حیوانات منجر به تشدید و تسریع انقراض یا آسیب‌پذیری گونه‌های شکار بی‌رویه رفته آشنا می‌کند. اگر براساس نظریات ارائه شده در محیط زیست و اخلاق جانوری نتیجه‌گیری شود، اخلاق انسان‌محور در فرایند محیط زیست و شکار در عصر صفویه غالب بوده است. این امر اگرچه در قدغن‌های جسته‌گریخته‌ای چون فرمان شاه عباس برای جلوگیری از آسیب‌رسانی و حفظ گونه‌های زیستی از ایوانکی تا مشهد به‌عنوان منطقه حفاظت‌شده و یا جریمه بر شکار کبک در «لار» گزارش شده است اما این امور زودگذار و فاقد استمرار یا قاطعیت عملی بوده است. در ارتباط با فراز و فرود حکومت صفویان با مقوله شکار، نسبت میان نوع شکار و تعدد جنگ‌های سلاطین صفوی نیز قابل ذکر است؛ چنانکه ایام حکومت شاه اسماعیل اول که برای تأسیس حکومت با رقبای داخلی و خارجی در جنگ بود و ایام شاه عباس اول که در راستای تثبیت امور با دشمنان داخلی و خارجی در منازعه بود، حجم و میزان شدت شکارهای خونین با نظریه انسان‌محوری بیشتر است. در این صورت با توجه به علاقه‌مندی شاهان صفوی و امکانات وسیع شکار، تبعات جبران‌ناپذیری به محیط زیست و حیوانات وارد ساخت. از این‌رو جانشینان شاه‌عباس اول در ثبات و آرامش بیشتر کشور، به شکارهای بزمی علاقه‌مندی بیشتری نشان دادند. در مجموع تأثیر مخرب شکار، با توجه به منطقه جغرافیایی ایران که در آن شکار سهل‌الوصول بود، مضاعف به نظر می‌رسد. به‌طور قطع گستره اماکن شکار و رخدادهای مربوط به محیط

زیست ایران عصر صفوی از گزارش‌های به جا مانده بیشتر است و می‌توان در هر نقطه از ایران امکان شکار را متصور شد اما شکارگاه‌های دائمی صفویان شامل مناطق مختلف اصفهان، گیلان و مازندران، شیراز، قزوین و کمی از محدوده تهران بوده است. تفاوت بارز شکار در نزد عامه مردم برای تغذیه و به‌طور محدودتر، با شکار شاهی که همه‌گونه حیوانات در ابعاد و اندازه وسیع قربانی می‌شدند بارز و معنادار است. در این نوع اخیر، حتی حقوق انسانی، همچون حقوق حیوانات نادیده گرفته می‌شد. اگرچه گونه‌های کمیاب و ارزشمند پرندگان شکاری دارای حقوق و رسیدگی و یا ارزش هدیه‌ای و نفیس بودند اما هدف از این امر پرداختن به گونه‌های دیگر شکار بود. خود این حیوانات به عنوان شکار مورد استفاده قرار نمی‌گرفتند با اینحال در چرخه محیط زیست در خدمت شکارهای بی‌رویه سلاطین صفوی بودند. به نظر می‌رسد که در انتقال میراث شکار بی‌رویه به دوره قاجار و کم‌توجهی به حقوق حیوانات، زمینه تخریب محیط‌زیست و انقراض گونه‌های مختلف حیوانات در ایران فراهم شد لذا کارنامه صفویان در این خصوص علیرغم وجه بارز فرهنگ و تمدنی آنها چندان درخشان به نظر نمی‌رسد.

منابع

- استرآبادی، سیدحسین مرتضی (۱۳۶۴)، *تاریخ سلطانی*، به اهتمام دکتر احسان اشراقی، انتشارات علمی، تهران.
- افوشته‌ای نطنزی، محمدین هدایت (۱۳۵۰)، *نقاوه الاثار فی ذکر الاخبار*، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اولتاریوس، آدام (۱۳۶۹)، *سفرنامه آدام اولتاریوس*، ترجمه حسین کردبچه، ج ۲، شرکت کتاب برای همه، بی‌جا.
- باربارو، جوزا (۱۳۴۹)، *سفرنامه ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، خوارزمی، تهران.
- بارتلد، واسیلی ولادمیروویچ (۱۳۷۷)، *جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- برادران شرلی (۱۳۶۲)، *سفرنامه برادران شرلی*، ترجمه آوانس، به کوشش علی دهباشی، بی‌جا، انتشارات نگاه.
- بریان، پیر (۱۳۸۱)، *امپراطوری هخامنشی*، از کوروش تا اسکندر، ج ۱، ترجمه ناهید فروغان، تهران، نشر قطره.
- بنسون، جان (۱۳۸۲)، *اخلاق محیط‌زیست؛ مقدمات و مقالات*، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، تهران.
- بهرام‌پور، مرضیه (۱۳۹۰)، *دین، طبیعت و بحران محیط زیست*، نقش‌مانا، اصفهان.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۲۶)، *فرهنگ ایران باستان*، تهران، چاپخانه پاکتچی.
- تاجبخش، احمد (۱۳۵۷)، *تاریخ مختصر تمدن و فرهنگ ایران قبل از اسلام*، تهران، انتشارات دانشگاه ملی سابق.
- تاورنیه، ژان‌باتیست (۱۳۸۲)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ارباب شیرانی، تهران، نیلوفر.
- ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۸۳)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، ج ۱ و ۲، زیر نظر ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.

- خسروی، زهرا (۱۳۸۳)، *شعر شکار در ادب عربی*، تهران، امیرکبیر.
- خوشیاری حاجی بابا، رزاق و علی مجدی (۱۳۹۲)، *حمایت از حیوانات در قوانین ایران و اسناد بین‌المللی*، سال ۷، ش ۲۶.
- دلاواله، پیترو (۱۳۷۰)، *سفرنامه*، ترجمه و شرح و حواشی: شجاع‌الدین شفا، بی‌جا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۴)، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
- دیمانند، موریس اسون (بی‌تا)، *یافته‌ها و فرس‌های عصر صفوی*، ترجمه روئین پاکباز و هرمز عبداللهی، تهران، آگه.
- روملو، حسن (۱۹۳۱)، *احسن‌التواریخ*، تصحیح چارلس نارمن سیدن، شمس، تهران.
- سانسون (۱۳۷۷)، *وضع ایران در عهد شاه سلیمان صفوی*، ترجمه محمد مهریار، اصفهان، نشر گلها.
- شاردن، جان (۱۳۷۴)، *سفرنامه سوالیه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۲، تهران، توس.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۶)، *دانش‌نامه اخلاق کاربردی*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
- سوالیه، ژان و آلن گربران (۱۳۸۵)، *فرهنگ نمادها*، ترجمه سودابه فضائلی، ج ۴، جیحون، تهران.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین (۱۳۱۹)، *جامع عباسی*، طهران، دارالخلافة.
- شیرازی، علی اصغر و حسام کشاورز (۱۳۹۰)، *تحلیل نقشه فرس‌های شکارگاهی محمد حسین مصورالملکی بر مبنای فرس‌های شکارگاهی دوره صفوی*، گلجام، ش ۲۰.
- صائب، محمدعلی (۱۳۶۴)، *دیوان صائب تبریزی*، به کوشش محمد قهرمان، تهران، علمی و فرهنگی.
- صباغ پور آرانی، طیبه (۱۳۸۸)، *مطالعه تطبیقی جلوه‌های شکار در فرس‌های صفویه و قاجار*، نگره، ش ۱۰.

- عمید، حسن (۱۳۶۱)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، چاپخانه سپهر.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۴۴)، *زندگانی شاه‌عباس اول*، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران.
- فورد، اِما (۱۳۷۶)، *قوشبازی در قوش‌خانه و صحرا*، بی‌جا، نشر واژگان.
- فومنی، ملاعبدالفتاح (۱۳۵۳)، *تاریخ گیلان*، به کوشش عطاالله تدین، فروغی.
- فیگوئروا، دن‌گارسیداسیلوا (۱۳۶۳)، *سفرنامه دن‌گارسیا دسیلوا فیگوئروا*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
- کارری، جووانی فرانچسکو (۱۳۴۸)، *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی، تبریز، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کامی لاهیجی، علی‌بن‌عبدالواسع (۱۳۹۳)، *خواص الحیوان*، تصحیح: میرهاشم محدث، تهران، سفیر اردهال.
- کخ، هاید ماری (۱۳۸۲)، *خداشناسی و پرستش در ایلام و ایران هخامنشی*، ترجمه نگین میری، مجله باستان‌پژوهی، ش ۱۱.
- کریمی، محمد و حامد نقی‌زاده (۱۳۸۹)، *رفتار با حیوان آزمایشگاهی از منظر قرآن*، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ۴، ش ۱.
- کریستین‌سن، آرتور (۱۳۷۰)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- کشیشان ژزوئیت (۱۳۷۰)، *نامه‌های شگفت‌انگیز از دوران صفویه و افشاریه*، مترجم دکتر بهرام فره‌وشی، تهران، مؤسسه علمی اندیشه‌جویان.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی.
- لسان‌طیبی، حسین (۱۳۹۳)، *صیدیه*، با مقدمه و تحقیق رضا زنگنه، قم، مجمع ذخائر اسلامی.
- متی، رودی (۱۳۹۳)، *ایران در بحران؛ زوال صفویه و سقوط اصفهان*، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز.

- محبی، حمیدرضا (۱۳۷۷)، *مطالعه و بررسی نقوش شکار در هنر ایران (تا پایان صفویه)*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس دانشکده هنر.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۷۸)، *نزهه القلوب*، با تصحیح و تحشیه سیدمحمد دبیرسیاقی، قزوین، نشر طه.
- ممبره، میکله (۱۳۹۳)، *سفرنامه میکله ممبره*، ترجمه ساسان طهماسبی، اصفهان، بهتا پژوهش.
- منجم، جلال الدین (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال*، به کوشش سیف الله وحیدنیا، انتشارات وحید.
- منشی قمی، قاضی میراحمدبن شرف الدین حسین (۱۳۶۳)، *گلستان هنر*، ناشر کتابخانه منوچهری خیابان جمهوری اسلامی، تصحیح و اهتمام: احمد سهیلی خوانساری، چ ۲.
- میرزاامینی، سیدمحمد مهدی و محمدرضا شاهپروری (۱۳۹۲)، *بررسی ماهیت وجودی نقش شکار در فرث های دوره صفویه*، گلجام، ش ۲۴.
- میرزارفیع، محمدفیع بن حسن (۱۳۸۵)، *دستورالملوک میرزارفیع*، به کوشش و تصحیح محمداسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران.
- ناشناس (۱۳۶۴)، *جهانگشای خاقان*، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
- ناشناس (۱۳۸۴)، *عالم آرای شاه اسماعیل*، مترجم اصغر منتظرصاحب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- نسوی، ابوالحسن علی بن احمد (۱۳۵۴)، *بازنامه*، نگارش و تصحیح علی غروی، بی جا، مرکز مردم شناسی ایران.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۷)، *روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه*، تهران، سمت.
- وحید قزوینی، میرزامحمدطاهر (۱۳۸۳)، *تاریخ جهان آرای عباسی*، تصحیح و تعلیقات: سید سعید میرمحمدصادق، تهران، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ERIK COHEN (2014), *Recreational Hunting: Ethics, Experiences and Commoditization*, TOURISMRECREATIONRESEARCH VOL. 39(1), 2014.

- Fabricius, C., Koch, E. & Magome, H. (2001), Community Wildlife Management in Southern Africa: Challenging the Assumptions of Eden. IIED Evaluating Eden Series No. 6. International Institute for Environment and Development, London.
- Gilhus, Ingvild Saelid (2006), Animal, Gods and Humans, Taylor & Francis Group, London and New York.
- Nelson, Michael P(2001), environmental ethics. Enclopedia of world environmental history, routledge, new York.
- Recreational Hunting(2009), Conservation and Rural Livelihoods, Science and Practice-Wiley-Blackwell.
- STEBBINS, RA (1982), Serious Leisure: A Conceptual Statement. Pacific Sociological Review 25(2)